



◀ دلیل دوم و سوم) لزوم عسر و حرج و لزوم هرج و مرج

۱. در بحث از حجیت شهادت عدلین در موضوعات از مرحوم صاحب عناوین نقل شده است که اگر شهادت عدلین را شارع حجت نکرده باشد، لازم می‌آید هم هرج و مرج پدید آید (چرا که مردم در موضوعات کارشناس نیستند و نمی‌توانند خودشان موضوعات را شناسایی کنند و لذا لازم می‌آید که احکام تعطیل شود) و هم عسر و حرج پدید آید (چرا که مردم نمی‌توانند به سادگی به دنبال کشف موضوعات روند) و چون رجوع به چند نفر در شرع قائل ندارد، لاجرم به شهادت دو نفر قائل می‌شویم و همچنین به سبب عدم قول فصل حتی در صورتی که حرج لازم نیاید هم قول دو شاهد را می‌پذیریم.^۱

۲. مرحوم فاضل هم این دو دلیل را در بحث از حجیت شهادت عدلین پذیرفته است:

«السادس ان الموضوعات لا ريب في كون أكثرها خفية على أكثر الناس، بمعنى ان كل صنف من الناس و إن كان لهم القدرة على مغرقة صنف من الموضوعات، لكن الغالب لا بصيرة له في الغالب، فلو كانت الأحكام معلقة على العلم بالموضوعات، لزم تعطيل الاحكام غالباً و لزم الهرج و المرج، فلا بد من كون شيء معتبراً في الشرع في الموضوعات غير العلم مما يوجب الوثوق بها، و لا قائل بما هو أزيد من البينة من شهادة ثلاثة أو أربعة أو خمسة أو نحو ذلك، نعم في حجية شهادة العدل الواحد كلام يأتي البحث عنه إن شاء الله تعالى.

السابع لو دار ثبوت الموضوعات المترتبة عليها الاحكام في الشريعة مدار حصول العلم لكل أحد، لزم العسر و الحرج الشديد المنفی بالنص و الإجماع، فكذا المقدم، فتثبت حجية البينة بعدم القول بالفصل؛ لان كل من اعتبر ما سوى العلم فقد اعتبر البينة.»^۲

۳. اما به نظر این سخن در بحث شهادت عدلین و شهادت عدل واحد کامل نیست. چرا که:

اولاً: اکثر موضوعات احکام برای مردم با اطمینان شناخته می‌شود و عدم رجوع به شهادت عدلین (غیر از بحث قضا) هیچ هرج و مرج و یا حرجی را لازم نمی‌آورد.

ثانیاً: اگر در جایی موضوعی ناشناخته باشد، اصل برائت محکم است و جریان این اصل چند مورد باعث تعطیل احکام نمی‌شود (و اصلاً هم باعث حرج نمی‌گردد)

ثالثاً: اگر این استدلال کامل باشد، می‌تواند حجیت خبر واحد عدل را ثابت کند که بسیار هم کار را سهل‌تر می‌کند و همان استدلال (عدم قول فصل) در مورد آن هم جاری است.

◀ دلیل چهارم) آیه نبأ

۱. العناوین، ج ۲، ص ۶۵۱؛ ن ک: الموسوعة الفقهية، ج ۲۳، ص ۳۶۴

۲. القواعد الفقهية، ص ۴۷۲



۱. مرحوم خوئی می‌نویسد:

«بل يمكن أن يستدل على حجية إخبار العادل في الموضوعات بمفهوم آية النبأ على تقدير أن يكون لها مفهوم»^۱

۲. مرحوم اصفهانی هم استدلال این آیه شریفه را در جایی مورد اشاره قرار داده است^۲

۳. نحوه استدلال به آیه شریفه چنین است که وقتی آیه شریفه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ^۳

ترجمه:

«ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبدا از روی

ناآگاهی گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید.»

آیه می‌فرماید: اگر فاسقی آمد و خبری را در مورد فسق [که یک موضوع است] آورد نپذیرید و مفهوم (شرط و وصف) آن چنین است که اگر عادل خبری را آورد بپذیرید و ترتیب اثر بدهید. مورد آیه شریفه موضوع است (و نه حکم شرعی) و لذا با الغاء خصوصیت (از فسق) می‌توان شهادت عدل واحد را در هر موضوعی حجت دانست.

۴. مرحوم حکیم بر استدلال به آیه شریفه اشکال کرده است:

«وأما آية النبأ فدالتها على حجية خبر العادل محل إشكال مشهور ولو سلمت فيتعارض مفهومها مع

الحصر في رواية مسعدة، ورفع اليد عن المفهوم فيها أولى من تخصيص الرواية»^۴

توضیح:

۱. اشکال مشهور، آن است که مفهوم وصف و مفهوم شرط قابل پذیرش نیست

۲. بر فرض هم اشکال را رد کنیم، مفهوم آیه شریفه [حجیت شهادت عدل واحد] با «حصر غایت حل در علم وجدانی و بینه» معارض است.

۳. و رفع ید از مفهوم آیه، راحت‌تر است تا تخصیص به خبر مسعده

۴. چرا که اگر «شهادت عادل واحد» را به روایت مسعده ضمیمه کنیم (استبانه یا بینه یا خبر واحد) کلام مستهجن می‌شود.

۱. التفتیح، ج ۲، ص ۲۶۵

۲. بحوث فی الاصول (الاجتهاد و التقليد)، ص ۱۳۴

۳. سوره حجرات، آیه ۶

۴. مستمسک، ج ۱، ص ۲۰۶

۵. چرا که «خبر واحد عادل» یکی از دو شاهد عادل (بینه) است و عطف اقل به اکثر قبیح است.
۶. و لذا کلاً باید به جهت روایت مسعده، هر دلیل دیگری (بر حجیت شهادت عدل واحد) را رد کرد.

ما می‌گوییم:



۱. در اینکه استدلال به آیه نبأ تمام نیست، در ذیل بحث از «حجیت خبر واحد در احکام» سخن خواهیم گفت.
۲. اما اگر استدلال تمام باشد، سخن مرحوم حکیم تمام نیست و در ذیل بحث از روایت مسعده (و در جواب به اشکال مرحوم بجنوردی) در این باره سخن گفتیم.